



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله الطاهرين

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز. همین‌طور که فرمودند، (۱) این میعاد سالیانی، برای بنده هم فرصتی است: چهره‌ی نمایندگان محترم را از نزدیک زیارت میکنیم، و درباره‌ی فعالیت آنها گزارشی را که غالباً گزارشهای خوب و خرسندکننده است میشنویم، چند جمله‌ای هم عرایضی عرض میکنیم. این برای ما یک فرصت است و خدا را سپاسگزاریم که امسال هم این توفیق را پیدا کردیم. روز شهادت موسی بن جعفر (سلام الله علیه) است، تسلیت عرض میکنم؛ ایام مربوط به بعثت است، تبریک عرض میکنم؛ و روزهای یادآوری حماسه‌ی بزرگ سوّم خرداد و فتح خرمشهر و مجاهدتهای جوانهای بااخلاص و فداکار ما است، آن را هم تبریک عرض میکنم.

آنچه مهم است، این است که هر جا هستیم - چه شما، چه این حقیر، چه بقیه‌ی مسئولین - توجه داشته باشیم که آنچه در اختیار ما است امانت است، ادای این امانت هم واجب قطعی و شرعی است. و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد؛ هم درباره‌ی آنچه کردیم، هم درباره‌ی آنچه نکردیم؛ باید به این توجه داشته باشیم. دوره‌ی مسئولیت هم گذرا است. خب، شما از این دوره‌ی چهارساله‌ی اخیر مجلس نهم، دو سال را گذراندید. همه‌ی حوادث عالم، همین جور سریع میگذرد؛ عمر انسان هم همین جور است. این تمثیل قرآنی خیلی تکان‌دهنده است: سبزه‌ای که در اوّل بهار از زمین میروید یا از شاخ خشک درخت میشکفت، سبزه‌ی زیبایی است؛ انسان از نگاه کردن به برگ سبز و به سبزه‌ی بهاری لذت میبرد؛ نوپا و تازه است و رو به رشد دارد؛ چیزی نمیگذرد که تابستان فرا میرسد و این سبزه، آنچه را از استعداد در آن گذاشته شده است، نمایان میکند - چه میوه در درخت، چه محصول در زراعت - باز چیز زیادی نمیگذرد که پاییز فرا میرسد؛ وقتی پاییز فرا رسید، همان سبزه‌ی زیبای طراوت تبدیل میشود به برگ خشکی و خاشاکی؛ فَاصْبَحْ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ؛ (۲) همان چهره‌ی زیبا و جذاب و طراوت‌بخش، تبدیل میشود به خاشاکی که بادهای آن را از این طرف به آن طرف میبرند. ما هم همین جور هستیم؛ این نمایش عینی عمر ما است: از یک جا شروع میشود، کودکی است و جوانی است و طراوت است و شادابی است و نشاط است و حوصله است و آرزوهای بزرگ است؛ بعد میرسیم به میان‌سالی، آنچه از استعدادهایی که در ما وجود داشته است، به قدر همّتمان، به قدر تلاشمان، بروز پیدا میکند؛ بعد سرازیر میشویم به سمت کهن‌سالی. و گفت:

دیر بماندم در این سرای کهن من

تا کهنم کرد صحبت دی و بهمن (۳)

کهنه میشویم، فرسوده میشویم؛ فَاصْبَحْ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ؛ (۴) میشویم مثل همان خاشاک. این عمر است، طبیعت زندگی همین است؛ این را باید فهمید. تا انسان جوان است، این را نمیفهمد، در سنین ما، انسان این را بیشتر حس میکند، بیشتر درک میکند. طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد بتدریج پختگی، و بعد بتدریج فرسودگی؛ این را انسان جلوی چشمش مشاهده میکند. با این نگاه باید کار کرد. بعد هم در مقابل محاسبه‌ی الهی که «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»، (۵) هر کلمه‌ای که از ما صادر میشود، ثبت میشود، ضبط میشود؛ هر حرکت ما، هر اقدام ما، بلکه هر اندیشه‌ی ما و فکر ما. باید با این توجه کار کنیم؛ شما در کرسی‌های مجلس، هیئت رئیسه‌ی محترم - که به آنها هم تبریک عرض میکنیم که مجدداً مورد اعتماد نمایندگان قرار گرفتند - (۶) در جایگاه ریاست و مدیریت، و این حقیر در جای خودم، مسئولین دولتی [هم] همین جور؛ با این روش باید نگاه کرد. امانتی است، این امانت را بایستی ادا کنیم؛ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. (۷) ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه‌ی ما است بشناسیم و در حدّ وسع - بیش از آن هم از ما نخواستند - و توان، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که میتوانیم بدویم.

برادران و خواهران عزیز! نکته‌ای که وجود دارد این است که نظام اسلامی با مبارزه به وجود آمد، بدون مبارزه این



نظام تحقق‌پذیر نبود؛ همه‌ی آرزوهای بزرگ در دنیا همین‌جور است. حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به‌وجود آمد؛ اگر مبارزه‌ی مردم نبود، اگر مبارزه‌ی امام نبود، اگر مبارزه‌ی مسئولان در میدانهای مختلف نبود، این نظام باقی‌نمی‌ماند و از بین میرفت. همچنان‌که می‌بینید در یک نقاطی از دنیا - که از ما دور هم نیستند - حادثه‌ای پیش می‌آید، فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمیتوانند نگه‌دارند، آن را از دست میدهند؛ ببینید در شمال آفریقا و در بعضی جاهای دیگر چه خبر است. عیناً این سرنوشت میتوانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید که دری به تخته بخورد و حرکتی به‌وجود بیاید و نظامی اسلامی با شعارهای رنگین و برّاق به‌وجود بیاید، بعد هم بعد از اندکی بکلی اوضاع دگرگون بشود و از بین برود. آنچه نگذاشت این اتفاق بیفتد، مبارزه بود؛ مبارزه‌ی صمیمی و جدّی و خردمندانه؛ این را ما فراموش نکنیم. دشمنان ما نمیخواهند این را اعتراف بکنند که ملت ایران در راه پیشرفت خود، خردمندانه عمل کرد، اما واقعیت قضیه این است که اگر خردمندانه نبود، نمیشد، نمی‌ماند، پیش نمی‌رفت، به نتیجه نمی‌رسید؛ [پس] خردمندانه بود. حرکت ملت ایران، حرکت صمیمی بود، صادقانه بود؛ فلماً رأى الله صِدْقنا انْزَلَ بَعْدَوتَا الْكِبْتِ وَ انْزَلَ عَلَيْنَا التَّنْصِرَ؛ (۸) این را امیرالمؤمنین فرمود. صدق ملت ایران در میدانهای مختلف نشان داده شد. خب حالا میشود نشست یک گوشه‌ای، از این گوشه آن گوشه عیوبی پیدا کرد، اشکالاتی پیدا کرد، اعتراض کرد؛ خب بله، معلوم است، اما این را تعمیم نباید داد، تعمیم نمیشود داد، آنچه قابل تعمیم است این است: صدق، حرکت، مبارزه. پس نظام با مبارزه به‌وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند. من عرض میکنم کار من و شما ادامه‌ی آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیدا کنید؛ علت هم معلوم است؛ علت این نیست که نظام جمهوری اسلامی یک نظام جنگ‌طلب است؛ نه، به‌هیچ‌وجه قضیه این نیست. شما وقتی از یک منطقه‌ای در دریا که در آنجا دزدان دریایی مستقرند، میخواهید با کشتی عبور کنید، باید مجهّز باشید؛ طبیعت کار این است. باید بتوانید از خودتان دفاع کنید، انگیزه‌ی دفاع داشته باشید؛ اگر انگیزه‌ی دفاع نداشته باشید، سرنوشت شما معلوم است: لخت میشوید، آواره میشوید، کشتی از دستتان میرود، جان شما هم یا نابود خواهد شد یا با ذلت و اسارت باقی خواهد ماند؛ مسئله در دنیا این است. حالا فرق دزدان دریایی امروز دنیا - که دزدان دریا و زمین و هوا و همه‌جا هستند - با دزدان دریایی شناخته‌شده‌ی تاریخ و داستانها و افسانه‌ها و وقایع خارجی، این است که اینها مجهّز به علمند. امروز دزدان غارتگر بشر - هم غارت پول، هم غارت منابع، هم غارت حیثیت و عزّت، هم غارت اخلاق - مجهّز به دانش؛ این اینها را آبرومند کرده. دانش، هم چهره‌ی اینها را از آن حالت وحشت‌انگیز در چشمها خارج کرده، هم ثرویشان را زیاد کرده؛ فقط فرقیان این است. عاقلانه عمل کردند، خودشان را به علم رساندند، اما به اخلاق نه؛ لذا براحتی جنایت میکنند. براحتی به آرمانهای بشری خیانت میکنند، براحتی جنگ‌افروزی میکنند، براحتی سلاح شیمیایی به کار می‌برند، سلاح شیمیایی را به به‌کاربرنده‌ی آن براحتی تسلیم میکنند، باکی هم ندارند؛ در مقام حرف و استدلال هم این را با زرورق - به نامهای مختلفی - میپوشانند، نمیگذارند کسی بفهمد؛ یعنی جنایت اینها از جنایت دزدان دریایی ستّی و موجود در افسانه‌ها و فیلمها بالاتر است؛ برای خاطر اینکه گناه بزرگ را انجام میدهند و این را کار صواب وانمود میکنند. ما با یک چنین دنیایی طرفیم، با یک چنین جبهه‌ای طرفیم؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه از خودمان دفاع کنیم؛ مبارزه این است. اینهایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام را متهم میکنند به جنگ‌طلبی یا به تئوریزه کردن جنگ، دارند خیانت میکنند، دروغ میگویند. نه، نظام انسانی است، نظام شرف است، نظام احترام به کرامت بشر است، نظام سلامت است؛ وَ الصَّلْحُ خَیْر. (۹) در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست‌گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامه‌ی مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت میکنیم؛ این را باید بدانیم. این بایستی مثل یک تفکر گسترده‌ای بر تمام فعالیت‌های ما حاکم باشد، هر کاری میکنیم، این بایست در ضمن آن ملحوظ باشد. قوای شیاطین عالم برآند که هر جایی، هر پایگاهی از پایگاه‌های بشری و تمدن بشری وجود دارد که در خدمت آنها نیست منهدم کنند؛ بنایشان بر این است. می‌بینید دیگر؛ باید در خدمت آنها بود، باید حرف زور آنها و نعره‌ی خشن آنها را شنید و تسلیم آن شد، والا معارضة میکنند، مبارزه میکنند، دعوا میکنند. باید در



مقابل آنها خود را قوی کرد و ایستاد؛ این اساس کار است. شما در تقنین، دستگاه‌های دولتی در اجرا، مسئولین گوناگون بخشهای مختلف در حوزه‌های مسئولیت خودشان، باید به این توجه داشته باشند. این عرض ما است. کار اساسی مجلس ادامه‌ی مبارزاتی است که به پیروزی انقلاب منتهی شد و مبارزاتی که به بقای این انقلاب منتهی شد.

خب، حالا این مبارزه تا کی طول خواهد کشید؟ مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشدن است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا میکند. اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند همّت کنند و جامعه‌ی بشری را و جامعه‌ی جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده‌ی مشکل بشریت این است. امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریت و روی فکر بشریت - مثل جان بشریت - او را احاطه کرده‌اند، او را می‌فشارند، او را آشفته می‌کنند، زندگی‌اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتواند خودشان را از زیر این سایه‌ی سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید. البته کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدت می‌خواهد. ملت ایران گام‌های بلندی را در این راه برداشته است. خودِ نفس تشکیل نظام اسلامی، بلندترین گام بود؛ تشکیل پیایی مجلس قانون‌گذاری که مظهر مردم‌سالاری اسلامی است، بزرگ‌ترین کار است؛ خودِ نفس نشستن شما در این جایگاه، نفس حضور شما به عنوان نماینده‌ی مردم و مظهر مردم‌سالاری دینی یک مبارزه است؛ این را باید قدر دانست و پیش برد.

ما اول امسال عرض کردیم «مدیریت جهادی»؛ این مدیریت جهادی مخصوص دولت نیست، شامل مجلس هم هست؛ طبعاً در حوزه‌ی کار مسئولیت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیتهای مجلس است. این مسئولیتهای اگر به‌طور جدی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه‌ی خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولیتهای را باید نگاه کرد. من بر روی اقتصاد مقاومتی تکیه می‌کنم. اول سال هم عرض کردم، به شما هم حالا توصیه خواهم کرد، در برنامه‌ی ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. اقتصاد مقاومتی قدم بلندی است که در این زمینه‌ها میتوان برداشت و دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مدیریت کشور - چه در مجلس، چه در دولت، چه بخشهای گوناگون - وظایفی در این زمینه دارند. علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است. علاج مشکلات کشور را - چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات سیاسی - بیرون از این مرزها نمیشود پیدا کرد. کار بکنند؛ هرکس هر تلاشی بلد است، انجام بدهد؛ ما هم موافقیم، بارها هم گفته‌ایم، از همه‌ی کسانی که در بخشهای مختلف - خارجی، داخلی - ابتکار دارند و حرکت دارند و تحرک دارند، ما دفاع می‌کنیم - دفاع صمیمانه و واقعی، نه دفاع صوری - اما معتقدیم آن چیزی که علاج مشکلات کشور است، در درون کشور است، در درون وجود من و شما است. ما هستیم که میتوانیم اقدام بکنیم؛ بلد باشیم که چه کار بکنیم و بفهمیم که راه درست کدام است و با جرأت و دلیری آن کار را انجام بدهیم؛ آن وقت مشکلات کشور بلاشک حل خواهد شد. یک گام بزرگ و بلند، همین اقتصاد مقاومتی است. البته از روزی که این سیاستهای اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرر گفته شده است، (۱۰) مسئولین مختلف - دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون - در مقام حمایت و ستایش از این سیاستهای اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرر گفته شده، لکن تجربه‌ی بنده به من می‌گوید که ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله، افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان میکنند و غالباً هم درست است، اما خب باید اقدام کرد، عمل کرد. آنچه در مجلس محترم انجام گرفته است - که من قبلاً گزارش آن را داشتم، امروز هم رئیس محترم مجلس بیان کردند - (۱۱) مشکور است؛ دولتی‌ها هم فعالیت‌هایی کردند، منتها باید قدم‌به‌قدم دنبال بشود؛ هم در زمینه‌ی تقنین، هم در زمینه‌ی نظارت. در زمینه‌ی تقنین، فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف کردن قوانین مزاحم - که اهمیت این کار دوم از کار اول کمتر نیست؛ بعضی از قوانین حقیقتاً مزاحمند یا معارضند - حذف قوانین معارض و تصویب قوانینی که به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی کمک کند،



یکی از کارهای مهم است. در زمینه‌ی نظارت هم نظارت بر عملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده‌ی مجلس است. البته در مورد تقنین، دولت محترم باید لوایح مناسب را بیاورد؛ مجلس _____ نمیتواند صرفاً به طرحها متکی باشد؛ باید لایحه بیاورند. این را هم من عرض بکنم و تأکید کنم که هیچ جای دیگری هم نمیتواند به جای مجلس در زمینه‌ی تصویب قوانین، در مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی و امثال آن دخالت بکند؛ مجلس است که بایستی قانون را تصویب کند - تشخیص بدهد، و آنچه لازم است تصویب کند - یا قانونی را حذف کند و از دُور خارج کند.

یک کار دیگری که در وظایف نظارتی مجلس مهم است، مسئله‌ی مبارزه‌ی حقیقی با فساد است؛ حقیقتاً مبارزه‌ی با فساد [مهم است]. نگذاریم کانونهای چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل باشد. اگر نظارت درستی باشد، گاهی اوقات در قدمهای اول میشود جلوی یک حرکت خطا و گناه‌آلود را گرفت؛ اگر ما در قدمهای اول جلوی آن را نگیریم و این بیماری پیشرفته شد و این زخمِ ناسور (۱۲) شد، آن وقت علاج آن مشکل میشود، سخت میشود؛ اگر به علاج هم برسد - که بیم این هست که به‌خاطر همین عواقب به علاج نرسد - با سختی و با دشواری و با تحمل خسارتها خواهد رسید؛ از اول جلوی آن را باید گرفت. خوشبختانه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در نظام، این تجربه را هم ما داریم.

اما در مورد برنامه‌ی ششم که در واقع باید آماده بود برای اینکه این برنامه‌ی ششم تهیه بشود، فراهم بشود و بیاید. برنامه‌ی ششم یعنی سیاستهای پنج سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه‌ی راه عملی برای پنج سال کشور را در این برنامه‌ی ششم ان شاءالله تدوین خواهید کرد. سه نقطه‌ی اصلی - البته برنامه باید جامع باشد - وجود دارد: یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند. یکی مسئله‌ی فرهنگ است؛ هر جا میگوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزشهای اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنتهای اسلامی؛ فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به‌وجود آمد، ما خوشحال بشویم که بله، فرهنگ پیشرفت کرده؛ نه، پیشرفت فرهنگ و تکیه‌ی روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزشهای انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربازان این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم. و سوّم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سالها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به‌وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملّی و بخش مهمی از عزّت ملّی و بخش قابل توجّهی از ثروت ملّی به برکت علم به‌دست می‌آید؛ مسئله‌ی علم و تحقیق و پیشرفت در بخشهای گوناگون علمی و کشف سرزمینهای ناشناخته‌ی دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان شاءالله باید در برنامه مورد توجّه قرار بگیرد.

یک مسئله هم مسئله‌ی جمعیت است که حالا سیاستهای جمعیت ابلاغ شد؛ (۱۳) خوشبختانه مسئولین هم تجاوب کردند (۱۴) به این سیاستهای جمعیت. شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت وجود دارد؛ این بسیار مهم است. هیچ منافاتی ندارد که ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان و نوزادان را بکنیم - که خیلی مهم است - در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم، دنبال نکنیم؛ مسئله‌ی کاهش جمعیت مسئله‌ی بسیار مهمی است. برای آن دشمنانی که در اوائل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهن سال و میان سال و از کارافتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً میکنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج میکنند؛ ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد که خب خوشبختانه شنیدم در مجلس دوستان دنبال این قضیه هستید و امیدواریم که خداوند به شما کمک کند.



ما بالاخره عرایضمان با برادران و خواهران مؤمن، با اخلاص و صمیمی مثل شما تمام شدنی نیست؛ حرف خیلی داریم برای گفتن، کما اینکه شماها هم با ما خیلی حرف دارید برای گفتن که متأسفانه مجال آن پیش نمی‌آید. _____ امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، کمکتان کند و بتوانید آن چنان که مایه‌ی رضای الهی است و مایه‌ی خرسندی خود شما در پایان این مسئولیت و نیز در پایان این زندگی است، به کارتان ادامه بدهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) رئیس مجلس شورای اسلامی

(۲) سوره‌ی کهف، بخشی از آیه‌ی ۴۵

(۳) کلیات ناصر خسرو، قصیده‌ی ۱۸۴

(۴) سوره‌ی کهف بخشی از آیه‌ی ۴۵

(۵) سوره‌ی ق، آیه‌ی ۱۸

(۶) انتخابات هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷/خرداد/۱۳۹۳ برگزار شد.

(۷) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۵۸

(۸) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۶

(۹) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸

(۱۰) ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (۲۹/بهمن/۱۳۹۲)

(۱۱) در گزارش رئیس مجلس عنوان شد: «پس از ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، دبیرخانه‌ای در مرکز پژوهشهای مجلس ایجاد شد تا با همکاری انجمنهای علمی کشور، کمیسیونهای تخصصی مجلس، معاونین قوانین و نظارت رئیس مجلس، و با اشراف نایب رئیس مجلس و هماهنگی با دولت، این سیاستها را محقق سازد.»

(۱۲) سخت یا غیرقابل علاج

(۱۳) ابلاغ سیاستهای کلی جمعیت (۳۰/اردیبهشت/۱۳۹۳)

(۱۴) جواب دادند